# تباهي نسل ديگر

□ جيمز لاروکا[[1]](#footnote-2)

#### چکيده:

#### دولتمردان آمريکايي در جنگ ويتنام با توسل به ادعاهايي خود ساخته، نسلي را درگير جنگي نمودند که هم‌اکنون به پدر و مادران نسلي جوان تبديل شده‌اند که فرزندانشان رهسپار جنگي باطل در عراق شده‌اند. شکل دادن به افسانه‌هايي دروغين در قبال حکومت عراق و ادعاي ايجاد دموکراسي در اين کشور، بهانه‌اي شد تا دولتمردان غربي بار ديگر نسلي ديگر را در جنگي گرفتار نمايند که چيزي جز شکست و تباهي براي مردم آمريکا و به ويژه نسل جوان آن ندارد.

#### نويسنده مقاله که خود از نيروهاي شرکت کننده در جنگ ويتنام بوده است، معتقد است که دولت آمريکا بايد هر چه سريعتر بابت جنگ بي حاصل عراق از مردم عذر خواهي کرده و نيروهاي خود را از آمريکا فرا بخواند.

پيش از اعزام به مأموريت در اوايل سال 1967، چند روزي به ملاقات خانواده‌ام در نيويورک رفتم. هنگام رفتن به فرودگاه، با آنها درباره همه‌چيز صحبت کردم، جز موضوع مأموريتم يعني سفر به ويتنام. بالاخره هنگامي که مسافران براي سوار شدن فراخوانده شدند، آنها به من گفتند که بايد از من پوزش بخواهند. آنها پدر و مادري خوب و دلسوز بودند. با خود فکر کردم که به راستي آنها بايد از چه چيزي عذرخواهي کنند؟

آنها گفتند که به رغم تجربه دلخراش جنگ جهاني دوم، نسل‌شان نتوانسته از بروز جنگي ديگر ممانعت به عمل آورد. کمتر از ده سال از جنگ پيشين مي‌گذشت که با قلب‌هايي شکسته شاهد عزيمت فرزندشان به ويتنام بودند تا در جنگي حاضر شود که برخلاف جنگ جهاني دوم، غيرضروري و اجتناب‌ناپذير مي‌نمود.

در اواخر سال 1968، گيج و آشفته به کشور بازگشتم. اگرچه جان سالم به در بردم، اما بي‌شک پيروز اين ميدان نبوديم. پس از بازگشت دريافتم که اين نظر اکثر مردم کشورمان هم مي‌باشد. نسل آن روز در مقابل اين بي‌توجهي دولت که تنها بر پايه افسانه‌اي خود ساخته دست به اين جنگ زد، واکنش نشان دادند و منطق سياسي دولتمردان را به زير سؤال بردند. در آن زمان شاهد بوديم که مردم با مخالفت‌هاي مدني، رهبران خود را به وادار کردند که سياست داخلي خود را تغيير دهند و همين مخالفت‌ها به پايان رياست جمهوري رئيس‌جمهور وقت انجاميد.

آري، در اين زمان نيز با اشتباه خود، نسلي ديگر از سربازان آمريکايي را قرباني افسانه‌اي جعلي يعني تسليحات کشتار جمعي و منطق باطل يعني شکل‌دادن به دموکراسي غربي با توسل به اسلحه نموده‌ايم. به راستي تا کجا بايد خود را فريب دهيم تا در اين جنگ مأيوس کننده شرکت جوييم؟

اساساً پاسخي براي اين پرسش ندارم و حتي از فکر کردن درباره آن هم متنفرم و تنها بايد شاهد حماقت بوش در شکل دادن فضايي براي حرکت به سوي جنگي باشيم که در آن پسران و دختران ديگران گرفتار مي‌شوند.

بي‌شک آسيب ناشي از حادثه يازدهم سپتامبر عاملي براي ناتواني ما در مقابله با اين جنگ بود، چرا که فضايي شکل گرفت که جامعه به سرعت پذيراي گفته‌هاي دولتمردان خود شد. شايد هم بخشي از اين مسأله ناشي از بي‌توجهي ما به مسايل سياسي باشد؛ بي‌توجهي‌اي که ناشي از اعتقاد به حاکميت منافع خاص، اجتناب‌ناپذير بودن رسوايي‌ها و عادي بودن عدم صلاحيت‌ها و ناتواني‌هاست.

اين بي‌توجهي ما به هر دليلي که باشد، ما به عنوان نسل جنگ ويتنام بايد به اين واقعيت توجه نماييم که در حال از دست دادن فرزندانمان هستيم. چرا که به آنها اجازه داده‌ايم تا به جنگي فرستاده شوند که هيچ پيروزي‌اي براي آن متصور نيست.

در روز سرباز يعني روز يادمان پايان جنگ‌هاي جهاني اول و دوم، معمولاً به گذشته باز مي‌گرديم وبه تجليل از خدمات و فداکاري‌هاي گذشتگان مي‌پردازيم. پس بياييم با عذرخواهي از نسل جنگ عراق شروع کنيم و به آنها بگوييم که ما شما را از دست داده‌ايم و براي شما متأسفيم و وظيفه کنوني ما آن است که شما را به خانه بازگردانيم.

منبع: www.newsday.com

1. - James Larocca: نويسنده و استاد سياست داخلي در دانشگاه «لانگ آيلند». [↑](#footnote-ref-2)